

جای خالی روایت‌ها در فقدان سردار سلیمانی بیشتر حس می‌شود

روزی روزگاری سلیمان



مصطفی وثوق‌کیا

روزنامه‌نگار

«این مجموعه قرار است تمام خاطرات سردار حاج‌قاسم سلیمانی را از ابتدای جنگ عراق با ایران تا انتها در بر بگیرد»، اما آنچه امروز در اختیار داریم تنها دو جلد از مجموعه‌ای ۱۶ جلدی است که ادامه آن با گذشت چند سال از انتشار چاپ‌های اول آن هنوز منتشر نشده و باید دید حالا پس از شهادت این سردار آسمانی ادامه این مجموعه در بازار نشر دیده می‌شود؟

وقتی دنبال کتابی درباره حاج‌قاسم سلیمانی (که هنوز باورش سخت است که باید لفظ «شهید» را ابتدای نامش قرار دهیم) می‌گردیم با یکی دو عنوان روبه‌رو می‌شویم اما حجم خبرهایی که درباره خاطرات او منتشر شده بیشتر از کتاب‌هایی است که حالا در روزهای فقدان او در دسترس است. سرداری که از ابتدای جوانی با حضور در جبهه‌ها در قامت فرمانده تیپ‌نار... کرمان که بعدها تبدیل به لشکر شد حضوری پررنگ داشته تا این‌که سحرگاه جمعه ۱۳ دی به یاران آسمانی‌اش پیوست. کتاب «حاج‌قاسم»، «هجوم به تهاجم» و «نبرد سیدجابر» سه عنوانی است که به صورت مستقل دربردارنده خاطرات بخش‌هایی از زندگی این «شهید زنده» است. در حالی که بارها در خبرها آمده که مجلداتی از مجموعه ۱۶ جلدی «روزی روزگاری قاسم سلیمانی» منتشر شده، اما خبری از انتشار آنها نیست و در حد مصاحبه خبری کتاب‌ها باقی مانده‌اند تا امروز دست ما از آثاری که تصویر دقیق‌تری از او را به خواننده نشان دهند، خالی باشد.

سال ۹۵ بود که دو عنوان از مجموعه «روزی روزگاری قاسم سلیمانی» روانه کتابفروشی‌ها شد و همین که نام

و نشان حاج‌قاسم روی آن بود عاملی شد تا این کتاب‌ها تبدیل به آثاری پرفروش شوند، ولی زمان زیادی از انتشار آنها نگذشته بود که خبری مبنی بر مخالفت او با انتشار این کتاب‌ها منتشر شد؛ مولف این کتاب‌ها می‌گفت: «سردار سلیمانی مایل نبود که کتاب خاطراتش منتشر شود، از این رو تجدید چاپ این دو جلد و انتشار مجلدات دیگر از خاطرات سردار متوقف شده است. قرار بود این مجموعه در قالب ۱۶ عنوان کتاب به چاپ برسد، تا پیش از این دو جلد از مجموعه را نوشتیم و منتشر کردم، قصد داشتم که باقی مجلدات را نیز آماده کنم که با توجه به مخالفت سردار، کار متوقف شده است.» دیده نشدن و بهتر است بگوییم اخلاص، عاملی بود که سبب می‌شد سردار از این قبیل فعالیت‌های رسانه‌ای که ممکن بود فعالیتش را تحت الشعاع قرار دهد، دوری کند. همین که طی دوران مبارزه با داعش، مصاحبه‌ای با هیچ رسانه‌ای نکرد تا این‌که همین چندی قبل مصاحبه‌ای از وی با دفتر تنظیم و نشر آثار رهبر معظم انقلاب منتشر شد نشان می‌دهد کار کردن و حضور در میدان برایش از انتشار خاطرات و کتاب و... اهمیت بیشتری داشته است؛ اما با این حال نمی‌توان از اهمیت خاطرات دوران مبارزه به سادگی گذر کرد؛ «اعتقاد این است که اگرچه جنگ به خودی خود موضوعیتی ندارد، اما عرصه بسیار مهمی برای بروز روحیه اسلامی و انقلابی و خصلت‌های مسلمانی درست است؛ از این جهت بسیار ارزشمند است... ما حالا که دیگر جنگ نداریم و نمی‌خواهیم هم به دست خودمان یک جنگ درست کنیم که عرصه انقلاب بشود، لیکن آن هشت سال جنگ بایستی تاریخ ما را تغذیه کند... این یک گنج است. آیا ما خواهیم توانست این گنج را استخراج کنیم، یا نه؟ این هنر ماست که بتوانیم استخراج کنیم.» این بخش از سخنان

خاطراتش را نوشته ولی آن را برای روزهایی مثل امروز کنار گذاشته بود و گفته بود که در زمان حیاتش نمی‌خواهد منتشر کند؛ خاطراتی که به نقل از نماینده ولی فقیه در نیروی قدس سپاه پاسداران برای روزگار بعد از حیاتش نوشته شده: «این خاطرات به صورت خودنوشت نوشته و تدوین شده است. سردار سلیمانی در این بخش به خاطرات سال‌های ابتدایی دفاع مقدس پرداخته است. این خاطرات در دو جلد نوشته شده است. سردار سلیمانی در این بخش از خاطرات، وقایع عملیات‌های کربلای ۴ و ۵ را روایت کرده است. فعلا زمان انتشار این خاطرات مشخص نیست و تا به این لحظه بنا بر این گذاشته شده که براساس درخواست سردار، این اثر در زمان حیات ایشان منتشر نشود مگر این‌که تصمیم او تغییر کند.» هرچند به نظر می‌رسد نظر حاج‌قاسم عوض نشد و او خاطراتش را برای روزهایی گذاشت که در بین ما نباشد و حالا هرچند سردار را از دست داده‌ایم حداقل این دلخوشی را داریم که روایت او از روزهای نبرد و مقاومت را بخوانیم.

حاج‌قاسم

این اثر از مجموعه «یاران ناب» انتشارات یا زهرا (س) است که جستاری از خاطرات این فرمانده سال‌های جنگ و مبارزه با جریان‌های تکفیری را در خود دارد. علی‌اکبر مزدآبادی این کتاب را گردآوری کرده و در واقع آن را از خاطرات و سخنرانی‌های حاج‌قاسم در سال‌های دفاع مقدس تدوین کرده است. در قسمت ابتدایی این کتاب یک زندگینامه خودنوشت از سردار سلیمانی وجود دارد که به بخشی از فعالیت‌های او در دوران ابتدایی جنگ اشاره می‌کند. اما در بخش‌های دیگر این کتاب بیشتر از سخنرانی‌ها و خاطرات سردار که مرتبط با سه عملیات بزرگ والفجر ۸، کربلای ۴ و کربلای ۵ استفاده شده است تا مولف از دل این سخنرانی‌ها، خاطراتی را از سردار سلیمانی و سایر هم‌زمانانش نقل و به این وسیله شخصیت او را به مخاطب این کتاب معرفی کند.

هجوم به تهاجم

این کتاب ۳۸۸ صفحه‌ای روایت حاج‌قاسم از بهمن ۱۳۶۰ تا اردیبهشت ۱۳۶۱ است. چهار ماه از جنگ هشت ساله که در این کتاب حدودا ۴۰۰ صفحه‌ای روایت شده است. این اثر اولین جلد از مجموعه «روزی روزگاری قاسم سلیمانی» است که عباس میرزایی آن را تدوین کرده که مصاحبه‌هایی با شخص شهید سلیمانی بوده که از ابتدا تا انتهای جنگ را روایت کرده است. بازه‌ای که این کتاب در بر می‌گیرد مربوط به عملیات‌هایی است که منجر به آزادسازی خرمشهر شده و از این حیث اهمیت بالایی دارد.

نبرد سیدجابر

این اثر دنباله «هجوم به تهاجم» است که از اردیبهشت تا تیر سال ۶۱ را روایت می‌کند. این کتاب دوره‌ای از فرماندهی قاسم سلیمانی بر تیپ‌نار... را روایت می‌کند که تیپ را برای حضور در عملیات بیت المقدس از دوکوهه به دارخوین و سپس حمیدیه آورد و در نبردی سخت و نابرابر در جبهه کرخه‌کور لشکرهای ۵ مکانیزه و ۶ زرهی دشمن را زمین‌گیر کرد تا قرارگاه‌های فتح و نصر فارغ از رویارویی با تانک‌های این دو لشکر قدرتمند، از کارون عبور کنند. همچنین شرح می‌دهد که رزمندگان تیپ‌نار... چگونه تحت امر وی، در آوردگاه کوشک، تانک‌های عراقی را به آتش کشیدند. در واقع این دو کتاب فاش می‌کند که این فرمانده جوان، در نبود همکاری مسؤولان منطقه، چگونه تیپ درجه دومی را به لشکری قدرتمند و خط‌شکن تبدیل کرد و به خواننده می‌گوید که سردار سلیمانی چگونه رزمندگان تیپ‌نار... را از خطوط مستحکم دفاعی دشمن در تمام جبهه‌ها و در جبهه شرق بصره عبور داد.

